

پشت جبهه سلطنت گروگان

-۴-

امیرفیض- حقوقدان

طرح هنری پرشت

در قسمت سوم تحریر سلطنت گروگان بخش اصلاحات یاد آوری شد که توضیح طرح هنری پرشت نیاز به تکمیل دارد و اکنون تکمیل آن.

همانطور که از متن طرح هنری پرشت مستفاد میگردد نه تنها اعلیحضرت بلکه کلیه خانواده سلطنتی پهلوی از فعالیت های علیه جمهوری اسلامی با هدف سلطنت طلبی از سوی دولت آمریکا منع گردیده و در همان طرح هم بر آن منع تاکید آورده شده است.

تکمیلات

۱- شخصیت ایرانی مشاور هنری پرشت

مهمترین کمبود توضیح طرح هنری پرشت امر مشاوره با ایرانیان در پیاده کردن طرح مزبور است؛ تحقیق در اسناد سیاسی سفارت آمریکا در ایران و همچنین مسائل بعدی نشان میدهد که آمریکا برای انجام تصمیمات علیه ایران با بخشی از ایرانیان که مورد اطمینان آمریکا هستند و عنوان رابطین مطلع به آنها از سوی وزارت خارجه آمریکا داده شده مشورت میکند.

نمونه ها

← چنانکه این ضابطه در تکمیل تحریم های به ایران کاملاً از سوی آمریکا رعایت شده و آقای اوباما گفت ما تحریم های علیه ایران را با اقتباس و پیروی از نظریه ایرانیان خارج از کشور تکمیل ایران کردیم.

← هم اکنون گروهی از ایرانیان با داشتن تشکیلاتی که بصورت شخصیت حقوقی و رسمی فعالند به دولت آمریکا مشورت میدهند.

طرح هنری پرشت هم ازقاعده مشاوره با ایرانیان مستثنی نبوده است که اگر اسناد سفارت آمریکا منتشر نمیشد یحتمل که این گره باز نشده در طرح هنری پرشت هرگز آشکار نمیشد.

ملاقات هنری پرشت با آقای محمود فروغی

در اسناد سفارت آمریکا از ملاقات های مکرر مامورین سفارت آمریکا با آقای محمود فروغی اشارات و توضیحاتی هست ولی آنچه که مورد استناد این تحریر است ملاقات شخص هنری پرشت با آقای محمود فروغی و مذاکره در باب طرح معروف به هنری پرشت است.

اهمیت سند مزبور

ملاقات مورد اشاره برخلاف موارد دیگر، در سفارت آمریکا در تهران با آقای فروغی انجام نشده بلکه در اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا و در کشور آمریکا صورت یافته و از طریق وزارت امور خارجه آمریکا برای اطلاع سفارت آمریکا در تهران ارسال شده است.

تفاوت این سند با اسنادی که در تهران بوسیله مامورین سفارت از ملاقات با شخصیت های ایرانی تهیه میشد در این است که اسناد تهیه شده در سفارت برای موافقت به وزارت خارجه آمریکا ارسال میشد (به شهادت متن اسناد) ولی سند ملاقات و گفتگوی هنری پرشت و آقای فروغی ویا هرسندی که از وزارت خارجه آمریکا به سفارت آمریکا در تهران ارسال میگردد بمنظور اطلاع سفارت از تصمیم وزارت خارجه آمریکاست.

مشخصات سند

آقای هنری پرشت مدیر امور ایران

اداره امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی

وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی

یادداشت محرمانه

شرکت کنندگان، سفیر کبیر محمود فروغی و هنری پرشت بخش امور خاور نزدیک ایران

مکان - سالن پذیرائی وزارت امور خارجه

زمان ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ برابر ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۸

فروغی یک جنتمن کلاسیک ایرانی، متمدن، رفتار ممتاز، مغرور به خانواده وکشورش، واقع گراست پدرش دوبار نخست وزیر رضاشاه بود و تنها فردی بود که شاه پیر توانست در سال ۱۹۴۱ وقتی کشورش اشغال شده بود به او تکیه کند. بردارش وزیر فرهنگ شریف امامی بود و هم اکنون در زندان است. محمود فروغی یک مقام ارشد وزارت امور خارجه ایران و سفیر کبیر در ایالات متحده اوائل دهه شصت و افغانستان

بود، او چندسال پیش بخاطر اینکه نمیتوانست فساد را تحمل نماید از وزارت خارجه استعفا کرد
بعدا فروغی ایران را ترک کرد او برای بدست آوردن تبعیت آمریکا اقدام نموده است.

فروغی معتقد است که برتری ملاها دوره گذر است ولی میترسد که ممکن است کوتاه نباشد. ملاها برای اداره امور پیچیده کشور مجهز نیستند ولی سوال این است که چه نوع دولتی جانشین آنها میشود؟

فروغی ایمان دارد که ملی گراها میانه رو غلبه خواهند کرد ولی او همچنین از قدرت فزاینده کمونیستها میترسد من گفتم (مقصود هنری پرشت است) بزرگترین گناه شاه این بود که ایران را از یک نسل رهبران سیاسی محروم نمود و توافق داشت و اشاره کرد که پدرشاه هم چنین کاری را کرد این غم انگیز است که هیچ شخصیت مردمی خارج از روحانیت وجود ندارد.....

من (هنری پرشت) خطوط سیاسی که مادر قبال ایران دنبال میکنیم را برای فروغی تشریح کردم.

حاشیه = یعنی طرح کامل هنری پرشت مبنی بر عدم قبول انتقال سلطنت رابه ولیعهد بروال قانون اساسی و منع فعالیت سیاسی خاندان سلطنت را برای فروغی خود طراح، طرح تشریح کرده است (پایان حاشیه)
او؛ یعنی فروغی فکرمیکند که این مهم است که مردانی نظیر بازرگان قدرت بخشیده شوند برای اینکه آنها مردانی پاک و قابل هستند و تنها امید ایران در حال حاضر میباشد.....

من (هنری پرشت) مشکل سختی را که ایالات متحده در درگیری با شاه در تمایل شاه به آمدن به اینجا را برای فروغی گفتم، وگفتم که آیا امکان دارد که شاه ادعایش را از تاج و تخت انکار نماید (درست زیربنای طرح هنری پرشت).

فروغی گفت ما بایستی تشخیص میدادیم که شاه شخصی ضعیف بود که مقدراتش در هرجرانی بوسیله دیگران نجات داده شده، اگر دولت موقت ایران پیشنهاد معامله ای به او میکرد وی ممکن بود که ادعایش را پس بگیرد ولی هیچ دورنمایی برای این موضوع همانطوری که در افغانستان بوده است وجود ندارد.

شاه بسختی مورد تنفر است ایرانیها ممکن است فکرکنند که سه سال پیش وضعیتشان بهتر بود ولی هیچکس از عزم شاه پشیمان نیست. فروغی فکر میکند خیلی، خیلی برای ایالات متحده و برای غرب بد خواهد بود اگر شاه در آمریکا سکنی کند. ایرانیها این را نخواهند فهمید؛ آنها قبولی ما را به عنوان عملی علیه ایران و بر علیه منافع دراز مدت خودمان خواهند دید بگذارید شاه به آفریقای جنوبی برود هرکسی روابط نزدیک او را با آن رژیم میدانست او یک دوست حقیقی ایالات متحده آمریکا نبوده است.

(امضا هنری پرشت)

توجه= این توجه بجاست که تاریخ طرح هنر پرشت یکماه و چند روز قبل از ملاقات هنری پرشت با آقای محمود فروغی است و این بدان معناست که طرح مزبور از همان تاریخ تصویب با انتخاب مامور اجرا همراه شده است.

استفاده از مشاوره فروغی

مشاوره محمود فروغی به هنری پرشت نشان میدهد که فروغی میتوانسته بهترین فردی باشد که به اجرای طرح هنری پرشت که به بازدارندگی اعلیحضرت از سوگند نهم آباماه تن بدهد. بنابراین محمود فروغی متولی دفتر اعلیحضرت گردید.

چنانکه ملاحظه کردید فروغی علاوه بر موافقت با طرح هنری پرشت، سخت طرفدار جناح مصدقی شورش یعنی بازرگان و نهضت آزادی بود و این دقیقاً تامین کننده هدف آمریکا از مخالفت با نظام قانونی شاهنشاهی ایران بود که بقوت روحانیون خلاء ایران بدون شاه را با نهضت آزادی پر کند که موفق نشد.

عبارت «مردانی نظیر بازرگان پاک و قابل هستند و تنها امید ملت ایران، در حال حاضر میباشند و باید آمریکا به آنها قدرت بخشند تا ایرانیان از این تنها امید برخوردار گردند»، نشان میدهد که برآزنده و مناسب ترین شخصیت برای ریاست دبیرخانه اعلیحضرت همین شخص است که هم با هدف نهانی آمریکا که انتقال قدرت به عوامل خود در ایران است موافق و تنهاراه و امید مردم میداند و هم کاملاً با طرح هنر پرشت آمریکائی موافق است و هم قلباً از شاه و رژیم سلطنتی ایران رویگردان است.

محمود فروغی اولین رئیس دبیرخانه اعلیحضرت گردید و این در حالی بود که هیچکس از ماهیت عقیده و دشمنی با نظام پادشاهی و همراهی فکری و عقیدتی با بازرگان و نهضت آزادی او خبر نداشت و حتی خانواده سلطنتی ایران مانند والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی هم به نزدیکی او با هنری پرست و نیز حمایت او از مخالفان شاه بی اطلاع بودند و به مناسبت همین بی اطلاعی و سابقه فامیلی فروغی به پادشاهی ایران خاصه حفظ تداوم سلطنت شاهنشاه آریامهر امیدی قاطع به خیرخواهی و حسن نیت او داشتند و سنگر هم که انتقاداتی را متوجه اظهارات و اقدامات اعلیحضرت و دبیرخانه میدانست با احتیاط کامل مطرح میکرد زیرا جو اطمینان به خیرخواهی و فضیلت سیاسی آقای فروغی جایی برای قبول انتقاد باقی نمیگذاشت.

از باب نمونه

بمناسبت درگذشت سید کاظم شریعتداری دبیرخانه اعلیحضرت بیانیه همدردی انتشار داد این بیانیه با وجود اینکه نسبت به ترور ارتشبد اویسی و کشتار افسران داخل و خارج کشور و یا بمناسبت سالگرد اعلام سلطنت رضاشاه دوم و یا بمناسبت سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران و یا بمناسبت روز نجات آذربایجان دبیرخانه راه سکوت را برگزیده بود پیام اعلیحضرت بمناسبت درگذشت شریعتمداری که رهبری مذهبی گروه مصدقی شورش را داشت و نسبت به شاهنشاه ایران نامردانه ترین رفتارها را نشان داد قابل تامل بنظر میرسید.

سنگر که روال مزبور را در مسیر مبارزه بحق تداوم حقانیت قانون اساسی و سلطنت نمیدانست نوشت:

نیت وانگیزه واقعی از صدور چنین اعلامیه ای جزئی از کل توطئه ای است که متاسفانه دبیرخانه شهریار ایران در آن نقش فعال و سهم بزرگی دارد و هدف از این توطئه فراهم ساختن زمینه های مساعد برای بازگشت جناح مصدقی شورش بقدرت و مترادف آن بی اعتباری سلطنت و دور نگهداشتن شهریار ایران از خط مبارزه و خالی ساختن اعتقاد به سلطنت از سلطنت طلبان است.

شخصیت رهبری کننده این طرح و توطئه جناب آقای محمود فروغی مشاور اول و رئیس دبیرخانه شهریار ایران است که با فراست و هشیاری خاص این توطئه را کارگردانی میفرمایند خداوند موفقشان ندارد.

(سنگر ۲۹۳)

یکمین صحنه خوددآوری

اعلیحضرت جوانی است بیست و یکساله باکوهی از مصائب آزار دهنده درموقعیت غمخواری از پدر از دست رفته، کشور اشغال شده توسط قشریون آدمکش، هرروز خبرهای ملالت بار آنهم بارها و بارها، انتظار مردم اسیرشده از ولیعهد جوان، تنهائی و بازهم تنهائی زیرا دراین رشته از تحریرات خواهید دید که حتی یکی از شخصیت های سیاسی و یا نظامی شاهنشاه ایران نخواستند که به حمایت از ولیعهد جوان بیایند.

با همه این احوال بتاریخ مقرر در قانون اساسی اعلام وفاداری به قانون اساسی و تصدی سلطنت را میکنند و تا چشم به مسنولیت های خود باز میکند مردی را بعنوان مشاور ارشد و رئیس دبیرخانه خود میبیند که ۶۵ ساله است از خانواده محترم ایرانی از خدمتگذاران به شاهنشاهی ایران بوده است، مردم به او اقبال دارند و او در حالی مشاورت و دبیری اعلیحضرت را پذیرفته که میداند اعلیحضرت سوگند سلطنت یاد فرموده اند و همان شخص هم به اثرات آن سوگند نزد ایرانیان و فرهنگ ایرانی آگاه است اما اینها همه ظاهر قضیه است و باطن آن همان است که شیخ بهائی در این دو سطر سروده است:

ظاهرت چون گور کافر پرخلل وز درون قهر خدا عزوجل

از برون طعنه زنی بر بایزید و از درون ننگ میدارد یزد

یعنی محمود فروغی اگر ظاهرش یک مشاور دلسوز و قانون دان و وفادار به سلطنت است ولی حقیقت آن ماموری است موافق با طرح هنری پرشت و مخالف تداوم سلطنت و همراه با جناح مصدقی شورش.

خود دآوری یعنی اینکه ما خود را در موقعیت اعلیحضرت فرض کنیم و فکر کنیم که چه میتوانستیم در آن سن و سال و تنهائی بغیر از تبعیت از افکار کسی که یزید هم بر آن احساس ننگ دارد ولی در ظاهر با یزید است بنماید و اینجاست که دآوری یک انسان با انصاف و بیطرف حکم گروگان بودن سلطنت و شاه را میدهد که حق انجام کاری را که خلاف طرح هنری پرشت باشد ندارد.

مامور هنری پرشت چه کرد

نکته بسیار ظریفی که اکنون مطرح میشود این است که محمود فروغی کاملاً به اثرات اجرائی طرح هنری پرشت و قطع تداوم سلطنت ۲۵۰۰ ساله ایران یعنی هدف طرح هنری پرشت آگاه بوده و میدانسته که آن کار خیانتی بسیار عظیم و ننگ تاریخی است که با سوابق تاریخی خانواده فروغی جور نمیداد و همین آگاهی او سبب میگردد که او در مدتی که مشاور اعظم اعلیحضرت بوده تفلائی در قطع تداوم سلطنت و رفع اثر از سوگند سلطنت بصورت آشکار و علنی نمیکند و تنها به توقف وضعی که سوگند سلطنت بوجود آورده اکتفا نماید او بهمین ترتیب عمل کرد و اسناد مبارزه سیاسی که در نشریه سنگر منعکس است نشان میدهد که او با نگهداشتن اعلیحضرت در نقطه آغازین سوگند و تلاش برای تضعیف مبارزه سلطنت طلبان و بی اعتبار کردن سوگند نهم آبانماه اعلیحضرت، موضوع عدول آشکار از سوگند سلطنت را به متصدی دیگر دبیرخانه اعلیحضرت که احمد قریشی بود و اگذار کرد که همانطور هم شد و او بود که اعلام کرد که رضایپهلوی دیگر ادعائی ندارد و خودش رایک شهروند عادی میداند.

کارهای برجسته فروغی

شمارش همه اقدامات مخربی که محمود فروغی در مدت تصدی خود انجام داد فصل مشبھی است که نیاز به گردش در مقالات سنگر را دارد که دیگر در حد بنده نیست ولی آنچه که فرا فکر است و نیازی به تجسس ندارد میتواند اینها باشد.

فروغی شخص تحصیل کرده ای بود آنها تحصیلات قدیمی به اثرات اقرار ضمنی و همچنین به مسئولیتهای تاریخی آگاه بود و براه چاره اندیشی از دو رویه استفاده کرد.

نخست تشکیل شورای مشورتی

فروغی در امرداد ماه سال ۶۵ با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که بنا بر پیشنهاد آقایان دکتر علی امینی و شاپور بختیار و با تائید پادشاه قرار شد برای همکاری و مشورت در امور اجرایی شورائی به وجود آید که اعضای اولیه آن آقایان نامبرده هستند و سایر اعضای شورای مشاوره پادشاه حداکثر تا سه نفر و بر مبنای صلاحیت و توانائی در پیش برد مبارزه در راه آزادی ایران انتخاب و دعوت خواهند شد.

اطلاعیه مزبور بلا فاصله مورد تکذیب بختیار و امینی قرار گرفت و آن ۵ نفر ادعائی هم از سوی دبیرخانه تعیین نشد.

علت این اقدام فروغی، تشکیل هیئت مشاوران نبود بلکه او دقیقاً میدانست که بختیار و امینی در مصاحبه های قبلی همکاری با رضا پهلوی را بعلت اتیان سوگند اعلیحضرت رد کرده بودند و روزنامه های بختیار و امینی هم به اطلاعیه دبیرخانه سخت حمله کرده بودند و حتی روزنامه پیام در لوس آنجلس نوشت «اقدام دبیرخانه برای ایجاد اعتبار و شخصیت برای رضا پهلوی است» در این صورت تشکیل هیئت مشاورین برای کسی که به اعتبار سوگند سلطنت خود را متصدی سلطنت میداند امری فکاهی است.

فروغی با این کار میخواست مسئولیتهائی که خود او میدانست در چارچوب طرح هنری پرشت به عهده اوست لوٹ کند و یک تحقیق حقوقی نتواند او را مستقیماً عامل اجرای طرح هنری پرشت قلمداد نماید همینطور هم شد زیرا از نظر کلی اعلیحضرت دارای دو چشمه مشاوره بوده اند یکی امینی و بختیار و دیگری مشاور اعظم که همان محمود فروغی بود.

دوم تلقین و تسلط بر فکر

اقای محمود فروغی به اعتبار شخصیت سیاسی و خانوادگی موقعیتی داشت که بنظر نگینی انحصاری برای مشاورت پادشاه جوان بود و همین موقعیت که انوار آن چنان درخشنگی داشت که کسی جرأت تردیدی در او نمیکرد؛ سبب شد که فروغی تسلط فکری و روحی بسیار حساس و عمیقی نسبت به پادشاه جوان پیدا کند.

نقش سرهنگ اویسی

لابد خواهید گفت پس نقش سرهنگ اویسی چه بود. نقش سرهنگ اویسی بسیار مفصل است که چندان به درد این تحریر نمیآید تنها این اشاره کافی است که اویسی یک افسر عامی است و در مقابل فروغی قطره ای محسوب هم نمیشد. اویسی مردسیاسی نبود و نیست اویسی اعلیحضرت را دوست دارد به ایشان هم وفادار است ولی آدمی ضعیف و دهن بین و غیر مقاومت است. یادتان باشد که بردیا قلابی در مقابل اهانت و اتهام هائی که نسبت به اعلیحضرت رواداشت و ایشان را پشه و عروسک نامید، سرهنگ اویسی را شاهد آورد؛ این میرساند که اویسی برای حفظ موقعیت خود نرد هرکس و ناکسی راه تسلیم و چلی شمار است میگویند، جانا سخن از زبان مامیگویند< را انتخاب میکند در مقام مقایسه میتوان نقش سرهنگ اویسی را همانند نقش آغاخان نوری در سلطنت ناصرالدین شاه ملاحظه کرد.

اویسی اگر یک مردسیاسی و معتقد به پاسداری از سلطنت بود محال بود که امثال فروغی و یا قریشی و یا داریوش همایون و یا اساسا هنری پرشت بتواند سلطنت را از مدار سوگندی که اعلیحضرت یاد کرده بودند پیاده کنند.

اینها سخن امروز نیست؛ در همان سالهای نخست مبارزه با مکتباتی که سنگربا سرهنگ اویسی داشت کاملا ظرفیت او را نسبت به حفظ سلطنت خالی دید و آنقدر این فقدان در او روشن بود که سنگر دیگر تماسی با ایشان نداشت و در آخرین نامه ای که از ایشان داشتم این بود که نوشته بود بزودی شما (بنده) خواهم دید که اشتباه میکنم و ایشان (سرهنگ اویسی) نشان خواهد داد که کیست. البته نشان داده شد که ایشان کیست (گرفته شده از سنگرها).

از دواج اعلیحضرت

اولین هنرفروغی متاهل ساختن اعلیحضرت بود که فوریتی در فن دیده نمیشد ولی از نظر روانی بسیار موثر بود که اعلیحضرت با اشتغال به مسائل خانوادگی آن حرارت و علاقه به مبارزه برای نجات ایران و سلطنت را از دست بدهند که همینطور هم شد چراکه مسئله در هاشم یک امر طبیعی دور میزد. که عشق به زندگی زناشویی مترادف با دوری از برخی اشتغالات است و در عین اینکه ازدواج از ضروریات و باعث سعادت جوانان میشود نمیتوان عامل موثری در گوشه گیری و کاستن از هیجان و بی باکی ندانست <نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار> و اعلیحضرت که تا آن روز تنها لباس سربازی به تن داشتند، شدند اعلیحضرت بزمی و افکاری که در پاریس در حول و حوش براندازی ۷۲ ساعته جمهوری اسلامی از ایشان شنیده شده بود تبدیل شد به <بهترین راه این است که صبرکنیم جمهوری اسلامی خودش بدست خودش از بین برود>.

بنشین کنارجوی و گذر عمر به بین کین اشارت ز جهان گذران مارابس

انقلاب اصیل و واقعی

فروغی با فراست و هشیاری تمام این فکر شیطانی را به اعلیحضرت جوان القاء کرد که شورش ۵۷ یک انقلاب واقعی و اصیل بوده که پیشگامان آن نهضت آزادی ایران بوده اند؛ تلقین کرد که مردم ایران از شاه و دوران او ناراضی بوده اند در این مورد گفت و گفت تا بالاخره اعلیحضرت فرمودند:

>هیچکس نمیتواند منکرو وقوع انقلاب در ایران باشد هرکس آنرا نفی کند از روند جریانات تاریخی بی اطلاع است <.....>

دستآورد زیرکانه فروغی از تلقین به اعلیحضرت و اظهار نظر ایشان نسبت به مشروعیت شورش ۵۷ این میشود که اعلیحضرت با چنان اعتقادی که نسبت به شورش مزبور داشته اند نمیتوانسته ادای سوگند و قبول سلطنت بنمایند یعنی قطع تداوم سلطنت که هدف نهایی طرح هنری پرشت بوده از این طریق فلسفی و حقوقی (لازم و ملزوم) تحقق یافته است.

این اشاره همینجا بجاست که طرح هنری پرشت بدون اینکه نام و عنوان وزارت خارجه ای آن بیان شود در مطبوعات آمریکا جریان داشت از جمله بری روبن در تفسیر وقایع ایران در کتاب خود بنام نقش رسانه های آمریکا در انقلاب اسلامی ایران نوشت:

>در تهران و شهرستان ها پوسترهائی دیده شده که روی آنها نوشته شده: «۲۵ میلیون ایرانی به شاه گفتند نه»<.

فروغی این فکر را برای اعلیحضرت بوجود آورد که دوران شاهنشاه ایران دورانی سیاه و سوزنده مردم ایران بوده است و لاجرم اعلیحضرت این برداشت تلقینی و یکلی نادرست را در عبارت:

>برای رضایت ۴۰ نفر، ۴۰ میلیون ایرانی سوختند که یکی از آنها هم من بودم<.

آنها در اجتماع افسران شاهنشاهی در خارج از ایران بمناسبت روز ارتش ایران بیان کردند.

یادمان باشد که در همان روزها خمینی گفته بود مردم ایران ناراضی هستند و همین عدم رضایت آنها عدم مشروعیت رژیم پهلوی است.

نتیجه اینکه فروغی یک مبنای حقوقی با بیان اعلیحضرت پیاده ساخت که سوگند نهم آبان اعلیحضرت را در موقعیت حقوقی، به نوعی ایجاد تزلزل، نزدیک میکند. درست آنچه که طرح هنری پرشت دنبال آن بود و هست.

تصریح اینکه از سلطنت و جمهوری صحبتی نشود و تفاوتی بین آن دنیست و هدف آزادی است مبنای قصد و اراده زاد و متمرکز بر سوگند سلطنت را متزلزل ساخت و این از دستاوردهای شخص فروغی بود.

** تجلیل از مصدق که بعنوان یک آپاندیس یعنی غیرقابل لزوم در بیانات اعلیحضرت مطرح شد در تانید همان فکر و هدف و اعتقاد سیاسی فروغی به جناح مصدقی شورش بود.

** اصرار دبیرخانه به اینکه در تظاهرات تصاویر شاهنشاه و اعلیحضرت ارائه نشود و کلی سلطنت طلبان را متحیر و ناراحت ساخت از دست پخت های سیاسی همین آقای فروغی بوده است که در دوران های بعد با اکراه مورد عمل سلطنت طلبان قرار گرفت.

حراشه کاری نمیکند

اسناد سیاسی مبارزه علیه جمهوری اسلامی که به تناوب تاریخ رویداد در سنگرها ثبت است نشان میدهد که در آن مدت که آقای محمود فروغی مشاور و متصدی دبیرخانه اعلیحضرت بود موج ناامیدی و فریاد چراشاه کاری نمیکند در اپوزیسیون سلطنت طلب خارج از کشور بیداد میکرد و ایجاد یک حالت نا باوری و سواس و بی تفاوتی در سلطنت طلبان بوجود آمده بود که علت آنرا هم نمیدانستند زیرا از یکطرف اعلیحضرت در مقام سلطنت قرارداد داشتند و لازمه آن استفاده از حقوقی بود که در متمم قانون اساسی مقرر و توجه به آن مانند تشکیل دولت موقت و یا فرماندار مبارزه و امثال آنها بود و از سوی دیگر دبیرخانه اعلیحضرت در زمینه هائی اعلامیه و دستورالعمل میداد که کاملاً با سوگند سلطنت اعلیحضرت متضاد بود.

روزهای بسیار استثنائی برای مبارزه بود به همین مناسبت سنگری در ۲۴ صفحه تحت عنوان (سرنوشت) منتشر شد که فکرمیکنم یکی از اسناد مسلم مبارزه و علت رکود و شکست مبارزه سلطنت طلبان خواهد بود.

اولین اقدامات دبیرخانه بتصدی آقای محمود فروغی سکوت دبیرخانه نسبت به ترور ارتشبد اویسی سکوت نسبت به سالگرد درگذشت شاهنشاه، سکوت نسبت به روزتاریخی نجات آذربایجان و بیانیه خود داری ایرانیان از رفتن به قاهره برای شرکت در بزرگداشت البته به علت نبودن امکانات ولی عجیب و غیرقابل تصور بود که برای درگذشت آخوند شریعمداری دبیرخانه اعلامیه ای قراء و گیرا صادر کرد که برداشت سنگرچنین بود که نوشت:

نیت وانگیزه واقعی از صدورچنین اعلامیه ای جزئی از کل توسط دبیرخانه در کنار فرمایشات سابقه اعلیحضرت خلع سلاح سلطنت است و سنگردر مقاله ای با عنوان <خلع سلاح> نوشت:

استغاثه از شاه

بنابه مراتب معروضه در این تحریر و مفصلات بسیار دیگر است که از پیشگاه اعلیحضرت در کمال خضوع استغاثه داریم که:

اعلیحضرتا - اگر فلسفه مبارزه سلطنت طلبان را یاری نمیفرمائید که نمیفرمائید

اگر میل به ایفای رسالت و وظائف سلطنت مقرر در متمم قانون اساسی را ندارید که ندارید

اگر سازمان دهی و نجات مبارزه را ضروری نمیدانید که نمیدانید

اگر بر افراد نیروهای مسلح شاهنشاهی خط فراموشی کشیده اید که کشیده اید

اگر اراده همایونی بر تجلیل از دشمنان سلطنت جبهه گرفته که گرفته است

همه و همه بر تصمیم نادرست اعلیحضرت مبارک باد

اما اعلیحضرت ربه ایران سوگند میدهم که سلطنت طلبان را خلع سلاح فلسفی نفرمائید و بیایان خود آنها را اسیر و بیرو ناحق نگردانید.

اگر اعلیحضرت ترجیح میفرمائید که باواژه ها و سخنها ومصاحبه ها که هرکلمه آن دلهای مملو از امید بازگشت سلطنت رابکلی تهی میسازد ومخالفین سلطنت را گام به گام به هدفشان نزدیک ترمیسازد اوقات حساس مبارزه گذرا گردد که گردیده است، بازهم میل مبارک است اما باردیگراعلیحضرت رابه شرافت ایران سوگند میدهیم که مبارزه حق طلبانه سلطنت طلبان را ناحق وقلع مشروعیت نفرمائید وقلم بطلان برپاورهای مستحکم آنان با بیان وفرمایشان نکشید.

(گرفته شده ازصفحه اول سنکر ۳۷+۳۳۲)

حاشیه - فراموش نکنیم آنزمان که حدود ۵ سال ازسوگند اعلیحضرت میگذشت هیچ اطلاعی ازطرح هنری پرشت دردست نبود ولاجرم فکرمیکردیم که این دگرگونی های کاملا مغایرباسوگند سلطنت یک امرطبیعی است که اعلیحضرت با آزادی فکر آنرا انتخاب کرده اند ولی اکنون که ازطرح هنری پرشت وابعاد اجرائی آن آگاه شده ایم باید درقضایوت های قبلی خود به اعتبار آگاهی های مستندی که یافته ایم تجدید نظرکنیم. (پایان حاشیه)

دستآورد حقوقی

این توجه دقیق وفراموش نکردنی بعنوان دستآورد این قسمت ازتحریرپرشت جبهه تقدیم سلطنت طلبان میگردد:

رفع اثراظهارات اعلیحضرت دررابطه با شورش ۵۷ وتبعات آن فقط درقائمه طرح هنری پرشت وماموریت آقای فروغی متفقا ومجموعا قابل اثبات وممکن است. وجود سند مذاکرات هنری پرشت با آقای فروغی ونقش ایشان درمشورت اعلیحضرت اسنادی است که بتحقیق میتواند اثرات اظهارات تلقینی وغیرمسئولانه اعلیحضرت را ازدرجه اعتبارساقط سازد.

امید وارم سلطنت طلبان متوجه این مقوله باشند که علت اینکه تحریرات روی طرح هنری پرشت وملاقات اوبا آقای فروغی توقف زیاد دارد تقدیم دانه های تحقیقی است که مسلما روزی که تحریرات و ارادتمند درخدمت به سلطنت طلبان نیستیم به آن نیازخواهند داشت.

پایان قسمت چهارم